

# بزه کاری از کودکی تا اواخر میانسالی

نتایج اخیر پژوهش کمبریج درباره‌ی شکل‌گیری بزه کاری

نویسندگان:

دیوید پی فارینگتون - الکس آر پیکرو - وِسلِی جی جنینگز

ترجمه

دکتر سارا آقائی



عنوان و نام پدیدآور : بزه‌کاری از کودکی تا اواخر میانسالی

نتایج اخیر پژوهش کمبریج درباره‌ی شکل‌گیری بزه‌کاری

مؤلفین: دیوید فارینگتون - الکس پیکرو - وِسلِی جِنینگز

مترجم: سارا آقائی

مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری : ۱۱۲ صفحه - چاپ اول

فروست : ۱۱۶۹

شابک : 978-964-511-969-8





## فهرست مطالب

تقدیر و سپاس.....	۹
سخن مترجم.....	۱۱
دیباچه.....	۱۵
فصل ۱: مقدمه‌ای بر پیشه‌های مجرمانه.....	۱۹
فصل ۲: پژوهش کمبریج: نتایج پیشین.....	۲۳
۱-۲- نمونه.....	۲۴
۲-۲- اهداف پژوهش.....	۲۵
۳-۲- روش‌ها.....	۲۵
۴-۲- یافته‌های پیشین درباره بزهکاری.....	۲۷
۵-۲- عوامل خطر کودکی.....	۲۸
۶-۲- ساز و کارهای خطر (ریسک).....	۳۰
۷-۲- تأثیرات حوادث زندگی.....	۳۱
۸-۲- روایی.....	۳۲
۹-۲- هزینه‌های بزهکاری.....	۳۳
۱۰-۲- همپوشانی بزهکاری و عدم سلامت.....	۳۳
۱-۱۰-۲- نقاط قوت پژوهش کمبریج.....	۳۴
۲-۱۰-۲- محدودیت‌های پروژه کمبریج.....	۳۶
۱۱-۲- اهداف اصلی.....	۳۷
۱۲-۲- خلاصه.....	۳۸

## ۶ □ بزه‌کاری از کودکی تا اواخر میانسالی

فصل ۳: مسیرهای کیفی رسمی.....	۳۹
۱-۳- جستجوی سوابق کیفی.....	۴۰
۲-۳- سن و بزه.....	۴۳
۳-۳- انواع بزه.....	۴۷
۴-۳- استمرار محکومیت‌ها.....	۵۰
۵-۳- سوابق کیفی.....	۵۱
۶-۱- دسته‌بندی‌های بزهکاران رسمی.....	۵۶
۷-۳- خلاصه.....	۵۹

فصل ۴: بزه‌کاری خودگزارش‌شده در برابر بزه‌کاری رسمی.....	۶۱
۱-۴- حقیقات درباره بزه‌کاری خودگزارش‌شده.....	۶۱
۲-۴- بزه‌کاری خودگزارش‌شده در پژوهش کمبریج.....	۶۴
۳-۴- شیوع بزه‌های خودگزارش‌شده.....	۶۵
۴-۴- استمرار در بزه‌کاری خودگزارش‌شده.....	۶۷
۵-۴- شیوع بزهکاران رسمی.....	۶۹
۶-۴- همپوشانی بین بزهکاران خودگزارشی و محکوم‌شده.....	۶۹
۷-۴- تعداد بزه‌های واقع شده.....	۷۲
۸-۴- نسبت بزه‌های خودگزارش‌شده به رسمی.....	۷۴
۹-۴- خلاصه.....	۷۸

فصل ۵: سوابق بزه‌کاری تا ۵۶ سالگی.....	۸۰
۱-۵- برازش مدل مسیر.....	۸۳
۲-۵- مسیرهای بزه‌کاری: سنین ۱۰-۱۶.....	۸۴
۳-۵- مسیرهای بزه‌کاری: سن ۱۰-۲۴.....	۸۴
۴-۵- مسیرهای بزه‌کاری: سن ۱۰-۳۲.....	۸۶
۵-۵- مسیرهای بزه‌کاری: سن ۱۰-۴۰.....	۸۷
۶-۵- مسیرهای بزه‌کاری: سن ۱۰-۴۸.....	۸۸

## فهرست مطالب □ ۷

۷-۵- مسیره‌های بزهکاری: سن ۱۰-۵۶.....	۸۹
۸-۵- خلاصه تعداد و روندهای مسیره‌های بزهکاری در میان بازه‌های سنی.....	۹۰
۹-۵- خلاصه توزیع مسیره‌های بزهکاری در میان بازه‌های سنی.....	۹۱
۱۰-۵- نحوه تمیز دادن عوامل ریسک دوران کودکی میان مسیره‌های ارتکاب جرم در دوره‌های سنی متفاوت کدام است؟.....	۹۸
۱۱-۵- پیش‌بینی ارتکاب جرم آتی بر اساس ریسک دوران کودکی.....	۱۰۲
۱۲-۵- ارزشیابی نقش عوامل ریسک در مردان با ریسک بالا در پژوهش کمبریج.....	۱۰۳
۱۳-۵- خلاصه.....	۱۰۶

## فصل ۶: نتیجه‌گیری..... ۱۰۸

۱-۶- بزهکاری کیفری.....	۱۰۸
۲-۶- بزهکاری خودگزارش شده.....	۱۰۹
۳-۶- مسیره‌های بزهکاری.....	۱۰۹
۱-۳-۶- مسائل نظری.....	۱۱۰
۲-۳-۶- مسائل سیاستگذاری.....	۱۱۱





## تقدیر و سپاس

پروژه پژوهشی دانشگاه کمبریج درباره رشد بزهکاران در آغاز به دست دونالد وست مدیریت می‌شد؛ وی طی آخرین مصاحبه‌ها با مردان ۴۸ ساله شرکت‌کننده در این پژوهش راهنمایی‌های ارزنده‌ای ارائه داد. دیوید فارینگتون در سال ۱۹۶۹ به این پروژه پیوست و از سال ۱۹۸۲ مدیریت آن را به عهده گرفت. هزینه پروژه عمدتاً از سوی وزارت کشور بریتانیا و همچنین وزارت بهداشت این کشور تأمین شد. طی سالیان، همکاران بسیاری از جنبه‌های مختلف در این پروژه همکاری نموده‌اند. اخیراً لوئیس هارنت، نادین سوئیرو و ریچارد ترنر به دنبال این آقایان گشتند و مصاحبه‌ها را انجام دادند، کترین اوتی و دریک جالیف در تحلیل‌ها کمک کردند. محل اجرای پروژه «واحد پژوهش‌های روانپزشکی قانونی»<sup>۱</sup> در بیمارستان سنت بارتولومه و سرپرست آن جرمی کوید بود، که کمک شایانی به مصاحبه‌ها در سن ۴۸ سالگی نمود. «گروه سیگما» داده‌ها را به صورت دیجیتال درآورد. جستجوی سوابق کیفری به دست اُون توماس، دبی جنینگز، انرو کالینسکی و مایا دوی پاور از وزارت کشور و وزارت دادگستری صورت گرفت. بخش‌هایی از این کتاب در ابتدا در گزارش وزارت کشور (به شماره ۲۹۹؛ فارینگتون و همکاران، ۲۰۰۶)<sup>۲</sup> منتشر شد، و ما به موجب مجوز دولت باز انگلستان<sup>۳</sup> که از سوی آرشیو ملی صادر شده مجاز به بازنشر بخش‌هایی از این گزارش در کتاب حاضر هستیم. ما بیش از هر چیز به شرکت‌کنندگان مذکر این پروژه مدیونیم که طی دوره‌ای چهل ساله به صورت مستمر همکاری چشمگیری با ما داشتند.

---

1. Forensic Psychiatry Research Unit

۲. فارینگتون و همکاران (۲۰۱۳) بزهکاری از کودکی تا اواخر میانسالی: نتایج اخیر حاصل از پروژه پژوهشی کمبریج درباره رشد بزهکاری. انتشارات اسپرینگر

3. UK Open Government Licence



## سخن مترجم

در مسیر مطالعات تحلیل محور جرم و بزه‌کاری، «سن» به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده و تأثیرگذار، پیوسته مورد توجه جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده است. به‌نحوی که می‌توان جایگاه برجسته‌ی این عامل را در قالب پژوهش‌های نظری و کاربردی به‌ویژه در حوزه‌ی جرم‌شناسی به‌خوبی مشاهده نمود. به‌دیگر سخن، یکی از دغدغه‌های همیشه مطرح در حوزه‌ی بزه‌کاری کودکان و نوجوانان، تمرکز بر سن آغاز ارتکاب انواع جرایم و بزه‌کاری‌ها از سوی این گروه‌های کم سن و سال جامعه است. چرا که فرض بر آن بوده که نقطه‌ی زمانی شروع انجام رفتارهای بزه‌کارانه و کج‌روانه، می‌تواند به‌عنوان متغیری مؤثر بر کمیت و کیفیت تداوم این قسم رفتارها در ادامه‌ی مسیر زندگی کودکان و نوجوانان در بزرگسالی، نقشی محوری ایفا کند. به‌نحوی که می‌توان پدیده‌ها و مفاهیمی چون نرخ تکرار جرم، مجرمان مکرر، نقطه‌ی اوج ارتکاب جرم و کهورت بزه‌کاری را بر دایره مدار «سن» ورود افراد به عرصه‌ی بزه‌کاری تجزیه و تحلیل نمود. با این وصف، در دهه‌ها و سالیان اخیر در برخی کشورها و ضمن انجام برنامه‌ریزی‌هایی جامع و بعضاً صرف هزینه‌هایی قابل توجه، اهتمام فراوانی به سامان‌دهی و اجرای طرح‌های میدانی الگومداری ورزیده شده که به‌طور خاص با هدف بررسی عمیق تأثیر سن آغاز بزه‌کاری در سرنوشت آتی کودک و نوجوان از حیث راست‌روانه و کج‌روانه بودن مسیر پیش‌روی او در طول زندگی به انجام رسیده است. در این راستا، پروژه‌ی موسوم به «کمبریج» در سطح جهانی دارای مرتبه‌ای ویژه بوده و به‌واقع، منحصر به فرد و کم‌نظیر محسوب می‌شود. این پروژه توسط کشور انگلستان و از سال ۱۹۶۱ میلادی به‌مورد اجرا گذارده شده، هم‌چنان تا به امروز، به‌نحو پویایی در مرحله‌ی اجرا و استنتاج داده‌هاست. با این توضیح که در چارچوب این طرح میدانی از ابتدای شروع پروژه تا زمان حاضر، تعداد ۴۱۱ تن از مردان ساکن در محله‌های فقیرنشین جنوب لندن از حدود سن ۸ سالگی تا مرز ۶۰ سالگی مورد رصد دقیق و مداوم قرار گرفته‌اند.

## ۱۲ □ بزه‌کاری از کودکی تا اواخر میانسالی

هدایت‌کنندگان متعدّد این پروژه در طول این مدّت طولانی و ضمن انجام مصاحبه‌های دوره‌ای و منظم با نمونه‌های مورد مطالعه و بهره‌گیری از آمار و سوابق مجرمانه، توجّه به اوج و فرود بزه‌کاری و نهایتاً فرا رسیدن کهولت بزه‌کاری آنان با در نظر گرفتن جرایمی خاص، مسیر پر فراز و نشیب پژوهش مثال‌زدنی خود را دنبال کرده‌اند. این پژوهش‌گران در طی کار میدانی خود که از پشتوانه‌ی نظریه‌پردازی شده‌ی خوبی نیز برخوردار است، درصدد به آزمون کشیدن فرضیه‌هایی چند در خصوص تعامل مفاهیم «سن» و «شکل‌گیری و تداوم بزه‌کاری» بوده و به‌همین منظور به مطالعه و سنجش «ریسک‌های فردی» و «ریسک‌های محیطی» می‌پردازند. رویه‌ی مدیران پروژه بر آن بوده که در اثنا این دهه‌های متمادی که طرح در حال اجراست، به‌صورت منظم و ادواری به انتشار نتایج کاربردی برآمده از آن بپردازند. کتاب حاضر نیز که در سال ۲۰۱۳ میلادی و از سوی انتشارات «اسپرینگر» و توسط «دیوید فارینگتون» (مدیر پروژه از سال ۱۹۶۹ تاکنون) و همکارانش به چاپ رسیده، شامل نتایج اخیر حاصله از این پروژه بوده که به‌واسطه‌ی روش‌شناسی بی‌بدیل مورد استفاده به‌ویژه از نظر زمان‌بندی اجرا، قابل اعتماد و اتکا خواهد بود.

از این رو بر آن شدم تا با ارائه‌ی برگردانی از کتاب مزبور، بیش از پیش، سبب‌ساز معرفی آخرین نتایج عملی به‌دست آمده از پروژه‌ی «کمبریج» باشم، به آن امید که آشنایی و فراخوانی تجربیات ناشی از آن، بتواند در مسیر مدیریت به‌سامان سیاست‌گذاری‌های کیفی کشور به‌خصوص در حوزه‌ی کودکان و نوجوانان، باب گفتمان‌هایی نوین و مؤثری را گشوده و مهم‌تر از آن، راهنما و ترغیب‌کننده‌ی انجام چنین پروژه‌های هدف‌مند و بلندمدتی در کشور باشد. زیرا قطعاً پیاده‌سازی برآیند چنین طرح‌های میدانی بومی می‌تواند بر پیشگیری و کنترل بزه‌کاری افراد و به‌طور خاص، کودکان و نوجوانان؛ نسل آینده‌ساز کشور، تأثیرات مثبت و سازنده‌ای به‌جای گذارد.

در ادامه، ضمن ارج نهادن بر زحمات تمامی اساتید بزرگوار و پژوهش‌گران عرصه‌ی جرم‌شناسی و بزه‌کاری کودکان و نوجوان در کشور که با مطالعه، تحقیق و تدریس، سبب غنای هرچه بیشتر این زمینه‌های علمی را فراهم می‌سازند، بر خود لازم می‌دانم از تمامی اساتید فاضلم در دانشگاه تهران به‌خصوص آقایان دکتر محمّد آشوری،

### سخن مترجم □ ۱۳

دکتر عباس شیری و دکتر فیروز محمودی جانکی که یادگیری الفبای جرم‌شناسی را مرهون علم و زحمت آنان در طول سه مقطع تحصیل در مکتب درس آنان هستم، کمال سپاس و قدردانی را به‌جای آورم.

و در پایان، بی‌نهایت از سرکار خانم دکتر شهلا معظمی؛ استاد به حق و پیشکسوت عرصه‌ی بزه‌کاری کودکان و نوجوانان که در طول سالیان متمادی، دریچه‌های جدیدی را در این عرصه‌ی علمی گشوده و روح تازه‌ای بر آن دمیده‌اند و اینجانب، همواره افتخار شاگردی ایشان را داشته و اکنون با قلم توانا و گنجینه‌ی دانش خود، بر کتاب در دست، دیباچه نگاشته و مایه‌ی ارزشمندی آن گشتند، تشکر نمایم.

با احترام

سارا آقائی

دی‌ماه ۱۳۹۶



## دیباچه

جرم‌شناسان با بررسی جرایم مجرمین با توجه به شدت و ضعف جرایم ارتكابی، آنان را به مرتکبین «جرایم خشونت‌آمیز» و «مجرمین با درجه خطرناکی پایین» طبقه‌بندی نموده‌اند. از سوی دیگر طبقه‌بندی دیگری نیز از مجرمین، تقسیم آنان به «مجرمین اولیه و اتفاقی» از یک سو و «مجرمین تکرار کننده جرم و حرفه‌ای» از سوی دیگر است. مجرمین اولیه کسانی هستند که مرتکب یک جرم می‌شوند و فاقد سابقه کیفری هستند. این قبیل مجرمین پس از دستگیری و مجازات دیگر مرتکب جرمی نمی‌شوند. اتفاقی بودن ارتكاب به جرم از سوی این قبیل مجرمین، مانع از اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه نسبت به آنان است. این طبقه از مجرمین مشمول برنامه‌های جامعه‌محور و اصلاحی مانند تعلیق مجازات، تخفیف مجازات و آزادی مشروط می‌شوند. در مقابل بزهکاران اولیه و اتفاقی، بزهکاران مکرر و بزهکاران حرفه‌ای هستند.

این گروه کوچک از بزهکاران سهم بزرگی از جرم‌ها را به‌عهده دارند. این طبقه از مجرمین از جهات مختلف در سیاست‌گذاری جنایی قابل مطالعه می‌باشند. بدین ترتیب که بزهکاران مکرری که بر رفتارهای مجرمانه خود پافشاری می‌کنند و فعالیت‌های مجرمانه خود را ادامه می‌دهند، ممکن است مشمول برخی تدابیر «سلب توان» بزهکار از طریق حبس باشند. بزهکاران حرفه‌ای نه تنها حجم بزرگی از نرخ کلی بزهکاری را به خود اختصاص می‌دهند، بلکه توانایی کلیه نهادهای عدالت کیفری را نیز به چالش کشیده و ضرورت اتخاذ سیاست جنایی موثرتری را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

پی بردن به علت پایداری در جرم، پژوهشگران را به پژوهش‌هایی سوق داد که بر محور سن و تکرار جرم استوار شده است. بسیاری از پژوهشگران تلاش کردند تا به ویژگی‌های بزهکاران پی ببرند و تحولات رفتاری ایشان را در طول زمان و در روند زندگی شناسایی کنند. این پژوهشگران که تحت عنوان جرم‌شناسان رشد و «دوره زندگی» شناخته می‌شوند، عنوان می‌کنند که: «می‌توان مجرمین را با توجه به نخستین جرمی که مرتکب شده‌اند و سن زمان ارتكاب جرم که تحت عنوان «سن شروع یا آغاز زود هنگام» نامیده شده طبقه‌بندی کرد». برخی دیگر از جرم‌شناسان معتقدند: «سن

## ۱۶ □ بزه‌کاری از کودکی تا اواخر میانسالی

شروع"، رابطه‌ای با تداوم جرم ندارد و همه‌ی افراد با افزایش سن، مرتکب جرایم کمتری می‌شوند. یعنی رابطه‌ی میان سن و جرم ثابت است. این مساله ناشی از کاهش «گرایش» بزهکار به ارتکاب جرم است. مخالفان این دیدگاه؛ یعنی نظریه‌پردازان "دوره زندگی" معتقدند که: «عامل‌های مختلف می‌توانند در سن‌های مختلف، تأثیرهای مختلفی بر مجرمان داشته باشند، افراد در گذر زمان تغییر می‌کنند و آنان به تغییرهای صورت گرفته در محیط خود واکنش نشان می‌دهند، این تغییرها نشان می‌دهند که هر چند ممکن است پایداری چشمگیری در مجرمیت در طول مسیر زندگی وجود داشته باشد، اما هیچ گرایش تغییر ناپذیری برای ارتکاب جرم وجود ندارد».

سرانجام بحث درباره رابطه سن و جرم به بحثی شدید درباره نوع پژوهش مورد نیاز برای آزمون‌گری این نظریه‌ها انجامید. طرفداران دیدگاه «گرایش مجرمانه» از پژوهش مقطعی استفاده کرده‌اند که افراد مختلفی را در یک زمان با یکدیگر مقایسه می‌کند، به باور این نظریه‌پردازان از آنجا که رابطه‌ی سن و جرم تغییرناپذیر است، پژوهش مقطعی کافی و به‌علاوه ارزان‌تر است. این در حالی است که جرم‌شناسان رشد بر این باورند که گردآوری و تحلیل داده‌های طولی برای پژوهش درباره‌ی رفتار مجرمانه بسیار سودمندتر است.

نخستین پژوهش طولی که گروهی از افراد را در یک دوره زمان بلندمدت دنبال نمودند، گلوک‌ها بودند.

«شلدون و الینیور گلوک» در سال ۱۹۳۰ در مجموعه‌ای از مطالعات پژوهشی طولانی مدت "مسیر زندگی بزهکاران شناخته شده (مجرمین حرفه‌ای) را برای تشخیص عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی اصرار بر رفتارهای بزهکارانه" پی‌گیری کردند و پژوهش در مورد "چرخه زندگی حرفه‌های بزهکارانه" را رواج دادند. پژوهش گلوک‌ها پیش در آمد تلاش‌های بعدی برای توصیف فرایند تخلف مزمن و ارتکاب جرایم به‌طور حرفه‌ای شد. آن‌ها بر روی شروع زود هنگام بزه‌کاری به‌عنوان پیام‌آور حرفه‌ی جنایی تکیه کردند؛ یعنی عمیق‌ترین ریشه‌های ناسازگاری در دوران کودکی، مقدمه‌ی تبدیل به مجرم شدن در بزرگسالی است. علاقه‌ی رایج نسبت به حرفه‌ی بزه‌کارانه، سبب کشف متخلف مزمن در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی شد.



## دبیاچه □ ۱۷

مفهوم مجرم پایدار و همیشگی در ارتباط با پژوهشی است که «ماروین ولفگانگ و تورستن سلین» انجام داده‌اند.

در سال ۱۹۷۲، پژوهش دیگری در فیلادلفیا توسط «ماروین ولفگانگ و همکاران وی» در دانشگاه پنسیلوانیا صورت گرفت. آن‌ها در پژوهش خود ۹۹۴۵ نفر از متولدین سال ۱۹۴۵ در فیلادلفیا را از زمان تولد تا سن ۱۸ سالگی مورد مطالعه قرار دادند و از موارد رسمی ثبت شده از سوی پلیس برای تعیین جرایم استفاده نمودند.

نتیجه‌ی این پژوهش نشان داد که تنها ۶ درصد این گروه از کودکان و نوجوانان، پاسخگوی ۵۲ درصد از تمامی جرایم گروه مذکور بودند. یک سوم از کل گروه؛ یعنی ۳۴۷۵ نفر با پلیس ارتباطی پیدا نکرده بودند. یافته‌های تحقیق نشان داد که گروه بزه‌کاران مزمن، ۶ درصد کل نمونه را تشکیل می‌دادند که مسئول ۵۱/۹ درصد همه‌ی تخلف‌ها بودند و تخلفات آن‌ها از نوع شدیدترین بود. تلاش ولفگانگ و همکاران به‌عنوان یک گروه پیشرو، سرآغاز تحقیقاتی مهم در مورد رابطه‌ی سن و بزهکاری شد. از جمله پژوهش‌های دراز مدت در رابطه «الگوی بزهکاری با سن» که توانسته اطلاعات توصیفی مهمی را در مورد «دوره بزهکاری»؛ یعنی «تداوم و ترک بزهکاری» در اختیار پژوهشگران قرار دهد، تحقیق «فارینگتون و همکاران» است که موسوم به «پژوهش کمبریج» و بررسی دراز مدت آینده‌نگر درباره شکل‌گیری بزهکاری است.

«فارینگتون و همکارانش» از داده‌های یک نمونه‌ی ۴۱۱ نفره مردان که در محله‌های فقیرنشین لندن در سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۲ متولد شده‌اند و از طبقه کارگر بودند و در آن زمان ۸-۹ ساله بودند، استفاده کردند تا مراحل زندگی بزهکارشدن این مردان را ترسیم کنند. آن‌ها دریافتند که تکرار این جنایات با رفتار ضد اجتماعی زودرس پیش‌بینی می‌شود که در ارتباط با هم‌سن و سالان منحرف، ویژگی‌های شخصیتی از قبیل اضطراب و نگرانی، دسترسی به مدارس فقیر، اختلاف در روابط فامیلی و نابه‌سامانی خانوادگی می‌باشد. مهم‌ترین نتایج به دست آمده بین سن ۸ و ۴۰ تا سال ۲۰۱۲ در دوپست اثر منتشر شد.

اما مهم‌ترین یافته و یا به‌عبارت دیگر، نتیجه‌ی نهایی این پژوهش در مورد سیاست‌گذاری است.

نتایج تحلیل‌ها روی الگوهای بزهکاری در مورد افراد مذکر شرکت‌کننده در مورد پژوهش کمبریج این است که فعال‌ترین بزهکاران از دوره‌ی اولیه کودکی «شروع زود

هنگام» آغاز می‌کنند و دوره‌های بزه‌کاری طولانی دارند، عوامل ریسک کودکی شامل «عوامل ریسک فردی» و «عوامل ریسک محیطی» است.

عوامل ریسک سطح فردی را می‌توان با برنامه‌های آموزشی مهارت‌های شناختی - رفتاری کاهش داد؛ مانند آموزش عمومی والدین برای فرزندپروری، تغذیه فکری پیش‌دبستانی برای پیش‌گیری از افت تحصیلی که این مداخلات باید در کودکان پیش از ده سال صورت گیرد. ارزیابی این برنامه‌ها نشان از کاهش بزه‌کاری و سود مالی این برنامه‌ها دارد. به‌علاوه پروژه کمبریج نشان می‌دهد که بزه‌کاران، اغلب در جنبه‌های مختلفی از زندگیشان به بیراهه می‌روند. این بدین معناست که هر اقدامی که در کاهش بزه‌کاری موفق باشد، احتمالاً منافع فراتر از آن نیز دارد. پیشگیری اولیه که بزه‌کاری را کاهش می‌دهد، احتمالاً مزایای بسیاری در زمینه‌ی کاهش مشکلات شغلی و روابط عاطفی، مشکلات مصرف مواد مخدر و الکل و مشکلات بهداشتی-درمانی و دیگر اشکال رفتارهای پرخطر خواهد داشت.

این پژوهش و پژوهش‌های پیشین، تاثیری عمیق بر سیاست‌گذاری نظام عدالت کیفری جهت طرح‌ریزی برنامه‌هایی برای تشخیص زود هنگام خطر تکرار جرم مجرمین و پیشگیری از ارتکاب جرایم بعدی آنان داشته است. با توجه به اهمیت این پژوهش، خانم دکتر سارا آقائی با انتخاب این اثر ارزشمند و ترجمه‌ی بسیار روان و دقیق آن که از جهت علمی و نظری در زمینه جرم‌شناسی و عدالت کیفری در خور توجه اساتید، دانشجویان حقوق، قضات و سیاست‌گذاران نظام عدالت کیفری است، خدمت ارزنده‌ای به گسترش ادبیات جرم‌شناسی و عدالت کیفری نموده‌اند، به‌ویژه توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران به این پژوهش می‌تواند منجر به برنامه‌ریزی علمی برای تشخیص زود هنگام کودکان در معرض خطر و پیشگیری و کاهش بزه‌کاری مجرمین حرفه‌ای گردد. ضرورت مطالعه این پژوهش علمی به اساتید، دانشجویان، قضات، سیاست‌گذاران عدالت کیفری، مسئولین آموزش و پرورش و پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه حقوق کیفری کودکان و نوجوانان توصیه می‌گردد.

شهلا معظمی

۱۷ دی‌ماه ۱۳۹۶.